



## شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن

(قسمت پایانی)

سخنرانی استاد سید علی موسوی نژاد

در منطقه شیعیان هستند، آن هم شیعیان تحت تأثیر ایران. و ما می‌خواهیم با آنها وارد مبارزه شویم و آنها را نابود کنیم.

حسین الحوثی در تمام سخنرانی‌هایش از امام خمینی (ره)، روز قدس، روز عاشورا، امام علی (ع) و مبانی شیعی و انقلابی سخن می‌گفت و از آنها دفاع می‌کرد. اینها چیزهایی است که حداقل در چند دهه اخیر در این حجم وسیع در زیدیه سابقه نداشت و این قدر جدی مطرح نشده بود. دولت یمن و حکومت علی عبدالله صالح، سعی کرد الحوثی و جریانش را از بدنه زیدیه یمن جدا و آنها را شیعه اثنا عشری معرفی کند در صورتی که این درست نبود و واقعیت این بود که آنها زیدی‌هایی بودند که بیدار شده بودند.

### شهید حسین بدرالدین الحوثی

علی عبدالله صالح به خیال اینکه می‌تواند با یک حمله نظامی کار حسین الحوثی و جمعیت محدودی را که

### پرچم و شعار جریان الحوثی

یک شعار چهار بندی که حسین الحوثی هر جا برای سخنرانی می‌رفت، جوانان آن را تکرار می‌کردند عبارت بود از: الموت لأمریک، الموت لإسرائيل، اللعنة علی الیهود، النصر للإسلام. وی به تدریج نیروهای جوان زیدی منطقه را سازمان‌دهی کرد و این کار را از سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آغاز کرد، ولی اوج‌گیری این جریان همزمان با انتخاب سختی شد که علی عبدالله صالح باید انجام می‌داد. در واقع این حکومت یمن بود که شروع به سنگ‌اندازی کرد. البته جوانان زیدی یک حرکت جدی کردند؛ مثلاً در یک سخنرانی علی عبدالله صالح، همان شعار را سر دادند. علی عبدالله صالح ناراحت شد و گفت بین کار به کجا رسیده که جلوی رئیس جمهور، یک عده جوان افراطی و تحت تأثیر بیگانگان، می‌آیند شعار می‌دهند و سخنرانی رئیس جمهور را قطع می‌کنند، ولی اینها بهانه بود. بهانه‌ای که علی عبدالله صالح می‌خواست، راضی کردن آمریکایی‌ها بود لذا سعی کرد به آمریکا چنین وانمود کند که دشمن اصلی شما

ایستاده در برابر ظلم و ظالمین و مستکبرین در سطح جهانی است که در عین حال این جریان یک جریان شیعی قوی و دارای ریشه هم هست. این جریان در یمن متولد شده و خیلی هم قوی متولد شده است. شما اگر دقت کنید نیروهای بسیج و ارتش حسین الحوثی از ۲۰۰ نفر در آغاز، اکنون به صدها هزار نفر رسیده است. هیچ نگرانی از آینده این جریان نباید داشته باشیم به خاطر اینکه این جریان یک جریان مخلص و فداکار و با ایمان راسخ است که با قاعده و زمینه کاملاً مردمی در منطقه شکل گرفته است. یعنی آن ۲۰۰ نفری که تبدیل به حدود یک میلیون نفر شده‌اند، از خود مردم یارگیری کرده‌اند بدون اینکه محور آن پول و امکانات خاصی باشد.

مردم یمن مردم بسیار ساده‌زیستی هستند. و کافی است آن روحیه سلحشوری تاریخی را در نظر بگیرید و به غیرت یک یمنی برخورد، اسلحه در دست می‌گیرد - اسلحه هم در آنجا فراوان است - و وارد میدان نبرد می‌شود. بنابراین آنها چیز زیادی برای از دست دادن ندارند که اگر بگویید شهر صدها ۱۰ بار در روز بمباران شود چه می‌شود؟ هیچی آنها به بیرون از شهر می‌روند و دوباره به شهر بر می‌گردند.

الآن رهبری جمعیت الحوثی به عهده «عبدالمالک الحوثی» برادر کوچک‌تر شهید حسین الحوثی است که البته ایشان برادر بزرگ‌تری به نام یحیی الحوثی دارد که در آلمان است و قبلاً نماینده مجلس بود ولی مصونیت پارلمانی‌اش لغو شد و محکوم به اعدام گشت. ایشان در سال‌های اخیر مجبور شد از یمن بیرون رود و هم اکنون در آلمان مستقر است و به نوعی سخنگوی جریان الحوثی به شمار می‌رود و معمولاً اگر مصاحبه‌ای بشود با ایشان مصاحبه می‌شود.

گفته می‌شود و سخن درستی هم هست که نباید به درگیری‌های جاری در یمن رنگ و بوی مذهبی داد. در جمهوری اسلامی هم همین بحث مطرح است. دولت یمن به حوثی‌ها می‌گوید که رافضی (ائتاعشری) هستند و زیدی نیستند. اگر از آنها بپرسند که زیدی واقعی

همراه او هستند، یک‌سره کند در سال ۲۰۰۴ به مناطق کوهستانی شمال یمن و به صورت مشخص کوهستان «مزان» حمله کرد و بعد از درگیری‌ها و بمباران‌های هوایی سنگین، آقای حسین الحوثی و تعدادی از هوادارانش را به شهادت رساند و بقیه یارانانش از لحاظ ظاهری پراکنده شدند، ولی این پایان کار نبود بلکه آغاز تحولی جدی در منطقه بود و به تعبیر قرآن مجید «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین». شاید پنج سال پیش که اولین جنگ حکومت یمن و حوثی‌ها در گرفت، کل جمعیت آنها حدود ۲۰۰ نفر بیشتر نبود، ولی الآن کار به جایی رسیده است که در جنگ ششم که اکنون نزدیک به چهار ماه از آغاز آن می‌گذرد و همچنان در این جریان گرفته شده که «عبدالمالک الحوثی» جانشین حسین الحوثی و برادر وی، چند صد هزار نفر را در این منطقه به صورت نیروهای بسیجی مسلح و پارتیزان سازماندهی کرده است. امروز دیگر حوزه درگیری و نفوذ حوثی‌ها محدود به مزان و استان صعده نیست بلکه چندین استان استراتژیک شمال و شمال غربی یمن تا نزدیکی صنعا، حوزه نفوذ آنها و اغلب در تصرف آنهاست. اگر دوستان، اخبار رسانه‌ها را پیگیری کنند به خوبی متوجه می‌شوند که حکومت یمن، حتی پس از ورود عربستان به ماجرا هیچ کاری از پیش نبرده، یعنی هدف اعلام شده آنها ناپدید کردن حرکت الحوثی‌ها در یمن و به دنبال آن باز کردن راه صعده به مرز عربستان بود، ولی ما شاهدیم که همچنان این راه بسته و تحت کنترل حوثی‌هاست و این استان‌ها همه در اختیار حوثی‌هاست به جز شهر صعده که از قدیم هم در مرکز شهر صعده مراکز حکومتی را حفظ می‌کردند، ولی در همان شهر هم هر چند وقت یک بار، مورد حملات کوبنده قرار دارند. همین چندی پیش هم حتماً شنیدید که گفتند یک شبی خون دیگر حوثی‌ها را به صعده ناکام گذاشتیم. این در حالی است که دولت یمن به صورت قساوت‌آمیزی با هواپیما حوثی‌ها و مردم بیگانه منطقه را بمباران می‌کند و حکومت عربستان هم در یک مقطع یک ماهه بیش از ۶۰۰ سرتی پرواز با هواپیماهای مدرن از قبیل اف ۱۵ بر روی بعضی از مناطق حوثی‌ها انجام داد و آنجا را بمباران کرده است. چنان که می‌دانید عربستان دارای یکی از مجهزترین ارتش‌های منطقه است و در طول این سال‌ها مقادیر زیادی سلاح خریده و این اولین باری است که دارد سلاح‌های خود را در یک جنگ جدی امتحان می‌کند، ولی حوثی‌ها با قوت و قدرت تمام در منطقه حضور دارند.

تحلیل من این است که اتفاقی که الآن در این منطقه افتاده، بدون تردید تولد دوباره یک جریان مبارز و انقلابی

حسین الحوثی هر جا برای سخنرانی می‌رفت، جوانان این شعار را تکرار می‌کردند: الموت لأمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنة علی البهوت، النصر للإسلام. وی به تدریج نیروهای جوان زیدی منطقه را سازمان‌دهی کرد و این کار را از سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آغاز کرد.





شهید حسین بدرالدین الحوثی

این جریان یک جریان شیعی قوی و دارای ریشه هم هست. این جریان در یمن متولد شده و خیلی هم قوی متولد شده است. شما اگر دقت کنید نیروهای بسیج و ارتش حسین الحوثی از ۲۰۰ نفر در آغاز، اکنون به صدها هزار نفر رسیده است. هیچ نگرانی از آینده این جریان نباید داشته باشیم به خاطر اینکه این جریان یک جریان مخلص و فداکار و با ایمان راسخ است

حداکثر می‌توانیم بگوییم که جریان الحوثی به دنبال بازگرداندن اقتدار و استقلال عمل شیعه زیدیه است، ولی اینکه به صورت یک الگوی مشخص بخواهند الگوی ولایت فقیه در ایران را پیاده کنند، یا بخواهند بگویند که ولی فقیه ایران بر یمن حکومت کند (که اینها خیلی دارند به آن دامن می‌زنند) فعلاً چنین دیدگاهی وجود ندارد.

۳. تحریک به شورش علیه ولی امر؛ یعنی علی عبدالله صالح.

۴. تحریک برای توسعه روحیه طایفه‌گرایی و استقلال مذهب زیدی؛ این اتهام بیشتر اتهام سیاسی است.

۵. تحکیم تفکراتی که مربوط به امامیه می‌شود و ترویج این مطلب که حکومت حق اختصاصی اهل بیت (ع) است. می‌بینید که چقدر مغالطه شده است اصلاً این تفکر عین اندیشه و اعتقاد زیدیه است و لزوماً اختصاص به امامیه ندارد.

الآن دولت یمن دارد می‌گوید این حوثی‌ها زیدی نیستند، زیدیه آن چیزی است که ما می‌گوییم و اینها مزدور ایران و دنباله رو اثناعشریه‌اند و این مسئله اصلاً صحیح نیست، ولی اینکه اینها متأثر از افکار امام و انقلاب اسلامی هستند صحیح است همان طوری که سنی‌های غزه لبنان و حماس متأثر از انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار آن، امام خمینی (ره) هستند.

و این روح جدیدی است که برای مبارزه با مستکبران و حکومت‌های غاصب و ظالم در منطقه وجود دارد.

#### نکات مهم درباره وضعیت یمن

حکومت یمن چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی در موضع ضعف است، زیرا حکومت یمن الآن فقط با زیدیان شمال مشکل ندارد، دو مشکل دیگر هم دارد یعنی حکومت یمن همزمان در سه جبهه درگیر است:

۱. شیعیان زیدیه،

۲. جدایی طلبان در جنوب.

چه کسی است می‌گویند که کسانی هستند که با خلفا مشکلی ندارند، با اهل سنت مشکل ندارد، از ایران بدشان می‌آید، با ائنا عشریه هیچ نقطه اشتراکی احساس نکند. ولی واقعیت این است که زیدی واقعی باید در تمام این مسائل درست بر عکس باشد. یعنی زیدی واقعی و جریان اصیل و قدرتمندتر زیدیه در طول تاریخ، موضعش درباره خلافت بعد از پیامبر (ص) همان موضع ائنا عشریه است با کمترین اختلاف، آن جریاناتی که خلفا را توجیه می‌کردند یک جریانات حاشیه‌ای در زیدیه بودند و ما به اسم صالحیه، بتریه، یا سلیمانیه آنها را می‌شناسیم. در زمان ما هم ادامه‌دهندگان تفکر در حاشیه، بیشتر طبقه روشنفکر و واداده زیدیه یا گروندگان به گرایشات وهابیت از اهل سنت هستند. وگرنه زیدیه‌ای که به صورت سنتی در صعه و حوزه‌های علمیه زیدیه مطرح است با ما کمترین تفاوت را در بحث‌های کلامی، به خصوص در مورد مطالب صدر اسلام دارند.

#### اتهامات جریان الحوثی

حالا برای اینکه یک نمونه از این موارد و اتهامات به جریان الحوثی را ببینید، حکم لغو مصونیت پارلمانی یحیی الحوثی را برای شما می‌خوانم:

ایشان در بیانیه رسمی پارلمان یمن متهم به این بندها شده‌اند:

۱. تلاش برای برقرار کردن دوباره حکومت امامان

زیدیه در یمن،

۲. پیاده کردن نظریه ولایت فقیه در یمن،

شاید به نظر برسد یک بخش این بند درست است! چون امامت زیدی اگر دنبالش باشند شیعه ولایت فقیه است، ولی در اصل این یک نوع تبلیغات است که بگویند اینها می‌خواهند همان الگوی ایران را در یمن پیاده کنند، در صورتی که چنین چیزی نیست (حداقل به این صورتی که اینها می‌گویند).

است که هم علی عبدالله صالح و جریان سکولار و حزب کنگره شکست بخورد و هم زیدی‌ها تضعیف شوند و نتوانند در قدرت سهم جدی داشته باشند و در عوض آن جریان الاحمر و جریان طرفدار آنها و وهابیت یمن بر سر کار بیایند که این یک خطر جدی برای یمن و مردم آن است.

### نقش سعودی‌ها در حوادث یمن

برای عربستان خط مرزی طولانی‌اش با یمن اهمیت دارد. الان یکی از خطوط پشتیبانی جریان الحوثی همین مرز گسترده هزار و چند صد کیلومتری است که با عربستان دارند و نه عربستان و نه هیچ ارتش مقتدری نمی‌تواند این مرز را به طور کامل کنترل کند و آن طرف مرز هم در مناطقی زیدی مذهب هستند و با اینها روابط خوبی دارند و وضع اقتصادی‌شان هم خوب و درآمد سرانه بالاتری دارند و به اینها کمک می‌کنند.

بنابر این یکی از مشکلات سعودی‌ها در درگیری با زیدیان این است که شیعیان فقط داخل یمن نیستند مناطقی از مناطق هم مرز سعودی با یمن هم زیدی هستند و این برای عربستان بسیار حائز اهمیت است و به راحتی مناطق جنوبی عربستان که شیعه‌نشین - زیدی و اسماعیلی - است می‌توانند از جریانات داخل یمن متأثر باشند. منتهی عربستان در کمین یک موقعیت مناسب بود.

عربستان از وقتی که فهمید که حجم قدرت حوثی‌ها چقدر زیاد است (از جنگ چهارم به بعد) تصمیم گرفت به حکومت یمن کمک کند. لذا در طول سال‌های اخیر به صورت پنهان و آشکار به حکومت یمن کمک می‌کرد که بتواند در مقابل جریان الحوثی مقاومت کند.

جریان الحوثی بارها عربستان را متهم کرده که به حکومت یمن کمک می‌کنند، ولی عربستان تا حالا وانمود می‌کرد که بی‌طرف است. اتفاقی که افتاد این بود

بحثی بعد از اتحاد دو یمن به وجود آمده است و آن اینکه جنوبی‌ها همیشه حقوق مساوی را در قدرت و تقسیم ثروت مطالبه می‌کردند و همیشه هم احساس می‌کردند که حقشان ادا نمی‌شود، مثلاً در ۱۹۹۴، یعنی چهار سال بعد از اتحاد دو یمن وارد جنگ شدند و در آن نبرد خونین، شمالی‌ها موفق شدند جنوبی‌ها را سرکوب کنند. الان آن جریان دوباره زنده شده است و جدایی‌طلبان جنوب یمن به مرکزیت عدن و دیگر استان‌های جنوبی الان درخواست حکومتی خودمختار دارند و حکومت یمن در یک جبهه جدی‌تر از نظر سیاسی درگیر است و آن جدایی‌طلبی جنوبیان است و جالب است که رابطه بین حوثی‌ها و جریان‌های جنوب هم بد نیست و رابطه نسبتاً خوبی با هم دارند و شاید هم موضع سیاسی آقای الحوثی است که آنها را هم به گونه‌ای با خود همراه کرده است. مثلاً به عنوان نمونه آنها یک تعداد زیادی از ارتش یمن را که در این جنگ‌های اخیر اسیر کردند و اولین کاری که در جنگ قبلی کردند این بود که جنوبی‌ها را آزاد کردند و گفتند که ما با جنوبی‌ها کاری نداریم. هر کس از جنوبی‌ها را در ارتش یمن اسیر کرده بودند آزاد کردند.

۳. جبهه سومی که یمن با آن دچار چالش جدی است وهابیان هستند. وهابیان هم علی عبدالله صالح را کاملاً نمی‌پسندند و مایلند قدرت دست خودشان باشد و جریانی نسبتاً قوی هستند و عربستان هم در اصل از این گروه حمایت می‌کند و شما تصور نکنید اکنون در این جنگ اخیر همسایه شمالی یمن به نفع علی عبدالله صالح وارد جنگ شده است، ایده‌آل آنها این است که هم حکومت علی عبدالله صالح و هم زیدیه تضعیف شود. اینکه آنها در طول این چهار، پنج سال به نوعی سکوت کرده بودند و نظاره‌گر درگیری‌ها بودند و احياناً آتش بیار معرکه بودند، به همین علت است. یعنی آنها می‌خواستند این دو قدرت کاملاً تضعیف شوند. یعنی هم حکومت یمن و جریان سکولار حزب کنگره که

حاکم است و هم زیدی‌ها و در نتیجه جریان وهابی بالا بیاید. که اتفاقاً رئیس سابق مجلس یمن که چند وقت پیش از دنیا رفت، عبدالله حسین الاحمر از هواداران جدی این جریان وهابی و به نوعی عامل همسایه شمالی بود، مثل حریری در لبنان، و الان هم پسرانش از جایگاه نسبتاً قدرتمندی به خصوص در میان قبائل برخوردارند. بنابراین ایده‌آل همسایه شمالی یمن این



یکی از مشکلات سعودی‌ها در درگیری با زیدیان این است که شیعیان فقط داخل یمن نیستند مناطقی از مناطق هم مرز سعودی با یمن هم زیدی هستند و این برای عربستان بسیار حائز اهمیت است و به راحتی مناطق جنوبی عربستان که شیعه‌نشین - زیدی و اسماعیلی - است می‌توانند از جریانات داخل یمن متأثر باشند.

و به پشتوانه‌های مردمی متکی نیستند و اگر زوری هم دارند برمی‌گردند به قدرت سخت‌افزاری‌شان. مثلاً در همین حمله به جبل‌الدخان، فرض کنید تعداد حوثی‌ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر وارد این منطقه شدند و یک قسمتی از آن را پاک‌سازی کرده و برگشته‌اند، ولی وقتی تصاویر تلویزیونی‌های خبری منطقه را نگاه می‌کردید امواج بزرگی از مردم عربستان را می‌دیدید که در حال کوچ و فرارند. دولت عربستان حدود ۵۰ هزار نفر را از آن مناطق تخلیه کرد، ولی در واقع حجم عملیات نظامی حوثی‌ها بسیار کوچک‌تر از این واکنش‌ها بود.

دولت عربستان اعلام کرد که باید ۲۰ کیلومتر داخل خاک یمن را پاک‌سازی کنیم و اینجا کسی سکونت نداشته باشد و در حالی که در آن منطقه این محال است؛ چون منطقه، کوهستانی و صعب‌العبور و دارای روستاهایی با حالت قبیله‌ای و عشیره‌ای هستند و چنین چیزی امکان‌پذیر نیست پس این مناطق را با توپخانه زدند، ولی راضی نشدند و به اهدافشان نرسیدند و با هواپیما به این مناطق حمله کردند. متأسفانه در سطح بین‌المللی هم واکنش‌های جدی صورت نگرفته و بهانه‌شان این است که چون حوثی‌ها اول حمله کرده‌اند پس مستحق چنین برخوردی هستند.

در این میان، حکومت یمن هم از این وضعیت راضی است به علت اینکه خودش به تنهایی نمی‌توانست از پس این مجموعه بر آید و حالا یک نیروی کمکی پیدا کرده و باید خوشحال باشد. دولت یمن ارزیابی‌اش از توان حوثی‌ها همیشه با خطا همراه بوده و در جنگ اخیر هم ارزیابی‌اش اشتباه بود و الآن ابعاد فاجعه را با عدم موفقیت خود درک می‌کند.

#### نکاتی دربارهٔ سلاح موجود در یمن

زیاد می‌شنوید که جمهوری اسلامی برای حوثی‌ها اسلحه فرستاد، چنین چیزی نیست یمن پر از اسلحه است. یمن چهارراه اسلحه است؛ یعنی شما هر چیز دربارهٔ دزدان دریایی و سومالی و خلیج عدن و... می‌شنوید همه در کنار مرزهای آبی یمن اتفاق می‌افتد. آنجا پولی که باید برای خرید اسلحه پرداخت، مهم است، ولی اسلحه مهم نیست از کلاشینکف گرفته تا اسلحه نیمه‌سنگین و سنگین در یمن به راحتی قابل دسترسی است. در واقع مردم یمن مسلح هستند، قبیله هستند و مسلح‌اند. در خیابان‌های صنعا دیدم که مردم عادی با کلاشینکف راه می‌رفتند و دوست هم‌راهم می‌گفت از صنعا که خارج شوی مردم بر روی پشت بام خانه‌هایشان برای دفاع از خود دوشکا و ضد هوایی دارند! پس ارسال اسلحه از ایران یک حرف خنده‌دار است. صرفاً یک وسیله‌ای است برای دولت یمن که به عربستان، آمریکا و غربی‌ها بگوید خطر جمهوری اسلامی ایران، خطر منطقه‌ای شما شده و بیخ گوش‌تان آمده است. حالا پول و اسلحه و امکانات

که در نقطهٔ مرزی شمال غرب یمن که منطقهٔ کوهستانی صعب‌العبوری است در مرز با عربستان کوهی به نام جبل‌الدخان - کوه دود - است که در اصل داخل خاک عربستان قرار دارد ولی متصل به کوهستان‌های یمن است. جریان الحوثی‌ها ادعا دارد - و بر حسب شواهد هم ادعای درستی است - که دولت عربستان این کوهستان را برای دیده‌بانی بر روی مناطق حوثی‌ها، بمباران و احیاناً زیر آتش گرفتن مواضع نیروهای الحوثی در خط مرزی، در اختیار دولت یمن قرار داده بود.

دولت عربستان این خط مرزی و این کوهستان را در اختیار ارتش یمن قرار داده بود. آقای عبدالملک الحوثی در پیامی که بر روی شبکهٔ اینترنت منتشر شد، توضیح می‌دهد که ما به دولت عربستان گفته‌ایم که این کوهستان را در اختیار ارتش یمن قرار ندهید و گرنه ما باید این کوهستان را هم منطقهٔ دشمن فرض کنیم و نمی‌توانیم تحمل کنیم که از آن به ما حمله شود. حوثی‌ها می‌گویند دولت عربستان توجه نکرد و بالاخره آنها به آن کوهستان حمله کردند. پس اینکه می‌شنوید که حوثی‌ها به داخل خاک عربستان حمله کردند در جبل‌الدخان به خاطر این است.

حالا اگر مطبوعات عربستان می‌گویند دودی که از جبل‌الدخان مشاهده می‌شود ایران در آن دمیده است! و... و در سر مقاله‌های روزنامه‌های عربستان از این دست تبلیغات زیاد می‌بینید، ولی واقعیت قضیه همین است و حوثی‌ها توانستند آن کوه را کاملاً پاک‌سازی کنند و البته عربستان هم بهانه‌ای برای حملهٔ علنی پیدا کرد و اعلام کرد که به خاک ما حمله شده است. حالا چه حمله‌ای؟! شما می‌دانید اینها در واقع بسیار ضعیف‌اند



آنجا پولی که باید برای خرید اسلحه پرداخت، مهم است، ولی اسلحه مهم نیست از کلاشینکف گرفته تا اسلحه نیمه‌سنگین و سنگین در یمن به راحتی قابل دسترسی است. در واقع مردم یمن مسلح هستند، قبیله هستند و مسلح‌اند. در خیابان‌های صنعا دیدم که مردم عادی با کلاشینکف راه می‌رفتند



ما باید قدردان این وضعیت بیداری مردمی در یمن باشیم و خدا را شکر کنیم و اگر می‌توانیم برای روشنگری این مطلب و آگاهی دادن در داخل کشور خودمان کاری کنیم و اطلاعات صحیح را به کسانی که می‌توانند کمک فکری و معنوی و حتی با این موضوع همدلی کنند، منتقل کنیم.

ارتباط سازنده با ما نیست، دولت یمن برنامه‌هایش را با جاهای دیگر می‌بندد ما هم هر چه با شعار عدم دخالت در امور داخلی یمن از حمایت مظلومان آن دیار کوتاه بیاییم، اتفاقی که می‌افتد این است که یمن در آژانس هسته‌ای باز خواهد آمد و علیه ما رأی می‌دهد!

ما باید قدردان این وضعیت بیداری مردمی در یمن باشیم و خدا را شکر کنیم و اگر می‌توانیم برای روشنگری این مطلب و آگاهی دادن در داخل کشور خودمان کاری کنیم و اطلاعات صحیح را به کسانی که می‌توانند کمک فکری و معنوی و حتی با این موضوع همدلی کنند، منتقل کنیم.

#### خطاهای رسانه‌های

ما در اینجا خطاهای مختلفی داریم یکی از خطاهای ما این است که احیاناً حوثی‌ها را اثناعشری معرفی می‌کنیم در صورتی که به این صورت نیست و با تاریخی که بیان شد، دوستان می‌دانند که حوثی‌ها بر آمده از دل تشیع زیدیه هستند. البته بسیار بسیار هم به ما نزدیک هستند به خصوص الآن که عصر غیبت است. در دوران ائمه اطهار (ع) دعوای ما با زیدیه تا حدودی جدی بود برای اینکه بحث بر سر امام مفترض الطاعه‌ای بود که حضور داشت. آیا باید برویم زیر پرچم حسین فحی و با هادی عباسی بجنگیم یا باید نزد امام کاظم (ع) برویم و بگوییم تکلیف ما چیست؟ بینیم ابن طباطبای چه می‌گوید یا امام رضا (ع)؟ ولی الآن در عصر غیبت که چنین چیزی نیست به خصوص با پذیرش نظریه ولایت فقیه، که یک نظریه کاملاً ایدئولوژیک و سیاسی هم هست ما بسیار نزدیک شدیم به زیدیه تاریخی؛ حداقل در عصر غیبت

بدهید تا ما با آن مقابله کنیم و بعد این پول‌ها را خدا می‌داند چه کار می‌کنند. پول می‌گیرند به عنوان آوارگان جنگی، مبارزه با گسترش هلال شیعی یا دایره شیعی - چون اگر بیداری شیعی در یمن را هم لحاظ کنیم از هلال می‌گذرد به دایره می‌رسد - و مرتب این را در بوق‌های رسانه‌هایشان تکرار می‌کنند.

اگر اسلحه‌ای هم در یمن نبود، غنیمت‌هایی که حوثی‌ها از ارتش یمن گرفتند، برای چندین جنگ، مشابه چیزی که الآن ما در یمن شاهدش هستیم کافی است. چون آنها ارتش یمن و پادگان‌های آن را تقریباً در کل استان‌های شمالی خلع سلاح کرده‌اند، تمام پادگان‌ها به استثنای صعده به دست حوثی‌ها افتاده است و یک مجموعه جوان - مشابه چیزی که ما اوایل جنگ تحمیلی با عراق به عنوان بسیجی می‌دیدیم - تانک‌های متعدد، توپ‌های مختلف، اسلحه ضد هوایی را از دشمن به غنیمت گرفته‌اند و از آنها استفاده هم می‌کنند. شما چندی پیش شنیدید که اینها چندین هواپیمای پیشرفته دولت یمن را سرنگون کردند. اینها با موشک‌های زمین به هوای پیشرفته نیست فقط با همان اسلحه‌ای است که از دولت یمن گرفته‌اند، با همان ضد هوایی‌های غنیمتی.

#### موضع دوازده امامی‌های یمن

اثنا عشریة یمن یک جمعیت کوچکی هستند و اگر ما چیزی به نام شیعه یمن را مد نظر داریم و بخواهیم روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم و با آنها ارتباط داشته باشیم بیش از همه زیدیه در یمن است. متأسفانه جمعیت اثنا عشریة یمن هم در عین کوچکی و کمی تعداد در مقایسه با زیدیه و حتی اسماعیلیه، از هم پاشیده و گسسته هستند، با سلايق متفاوت. حالا از مهاجران آنها در شهر مقدس قم شروع کنید تا داخل خود یمن که به صورت خانواده‌های تک‌تک هستند و ما هیچ شهر یا منطقه‌ای نداریم که کاملاً اثناعشری‌نشین باشد. آنها بیشتر خانواده‌هایی هستند که بعد از انقلاب اسلامی تحت تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب به مکتب اثناعشریة مشرف شده‌اند. متأسفانه مواضع‌شان هم یکسان نیست، گروهی با جریان الحوثی مخالف هستند و می‌گویند این جریان باعث شده شیعه در یمن به طول کلی آسیب‌پذیر شود و ما هم چوبش را داریم می‌خوریم. این حرف به یک معنا درست است، زیرا با این اتفاقات راه‌های ارتباطی ما با یمن بسته شده و ما حتی یک جزوه هم نمی‌توانیم به یمن بفرستیم و این از خساراتی است که متوجه شیعیان شده است، ولی ما باید ببینیم، چه چیز به دست آورده‌ایم. یک بیداری عمومی گسترده‌ای است در شبه جزیره عربستان و در یک نقطه حساس و استراتژیک آن هم با زیربنای تفکر شیعی و عدالت‌خواهانه و این دستاورد بزرگی است.

باید این نکته را بپذیریم که دولت یمن به دنبال ایجاد

امام عصر(ع).  
پس تمام مواضعی که آقای حسین الحوثی و جریان الحوثی امروز در یمن مطرح می کند برخاسته از مواضع شیعه زیدیه است نه لزوما اثناعشریه.  
باید گفت که حسین الحوثی هیچ سخنرانی ندارد جز اینکه نام امام خمینی(ره) را در آن به عظمت یاد می کند. حزب الله، براثت از مشرکین و روز قدس، روز عاشورا به صورت جدی مورد حمایت او بودند.  
گروه الحوثی پوشش رسانه‌ای مناسبی نداشته و هنوز هم ندارند. زیدیه با تمام عمقی که در یمن دارند، ولی رسانه‌های قوی و فراگیری ندارند. به خصوص این جریان اصیل زیدیه، حتی رادیو هم ندارند و تنها وسیله ارتباطی شان شبکه‌های اینترنتی است که یک فیلمی می گیرند و در یک جایی که امکان ارتباط داشته باشند در شبکه وارد کنند، تازه آن هم از جنگ پنجم به بعد.<sup>۲</sup>  
هدف این بود که دوستان از اتفاقاتی که در یمن می افتد آگاه شوند، انصافا ما در این خصوص کم اطلاع هستیم. جای نتیجه گیری نیست و وظیفه ما وظیفه آگاه سازی و روشنگری است.  
و معتقدم (به قول مقام معظم رهبری) شیعیان یک خانواده واحد هستند، به خصوص جریاناتی که از جامعه اثناعشریه جدا افتاده اند ایتم آل محمد(ص) هستند یعنی کسانی هستند که کسی نبوده دست پدری روی سرشان بکشد و راهنمایی شان کند و ما نه تنها باید نسبت به آنها بی مسئولیت نباشیم و فکر کنیم ما به دلیل اختلافاتی که با هم داریم از هم دوریم؛ بلکه باید احساس کنیم که ما در طول تاریخ کوتاهی کرده ایم و باید حواسمان بیشتر به بقیه می بوده و در این زمان که الان ما به عنوان تنها دولت اسلامی شیعی تمرکزی داریم و بعد مذهبی هم به آن نمی دهیم مثلا در غزه، احیانا سنی های متعصبی هم

هستند حمایت می کنیم و از همه حق طلبان در کل دنیا حمایت می کنیم و نباید از این بخش از جغرافیای جهان اسلام و تشیع به این میزان غافل باشیم و ما تقصیرا یا قصورا کوتاهی داشته ایم و بعد از این باید با یک روحیه بسیجی برگردیم به آن جایگاه مناسب و البته آنها هم از ما متوقع هستند یعنی واقعت این است که شیعیان یمن که این طور مخلصانه بر روی پای خود ایستاده اند ما نیز باید به حکم وظیفه دینی و اخلاقی به آنها کمک کنیم.

### رابطه لیبی و قذافی با جریان الحوثی

نام لیبی و قذافی هم وارد این جریان شد. آقای قذافی به نوعی نسبت به عربستان احساس رقابت می کند. این دو کشور و رهبران در سازمان کنفرانس اسلامی و جامعه عرب هم با همدیگر درگیری لفظی هم پیدا کرده اند. در همین راستا حکومت لیبی هم گویا کمک هایی به قبایل مرزی بین عربستان و یمن ارسال کرده است، ولی جریان الحوثی به عنوان یک جریان شیعی من مطمئن هستیم که کمک مستقیمی از لیبی دریافت نکرده است بلکه ممکن است قبایل زیدی که هم مرز عربستان هستند توسط قذافی شارژ مالی شده باشند آن هم با اهداف خاص، نه یک هدف ایدئولوژیک و نه کمک به شیعیان، بحث کمک به یک جریانی که بتواند به عربستان ضربه ای بزند.

### پی نوشت ها:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: اصغر منتظر القاه، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت(ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲. حوثی ها سایت فعالی به نام مجالس آل محمد(ص) دارند که دارای تالارهای متعددی است. اگر وارد مجلس سیاسی شوید وارد مجموعه ای از سایت ها و اخبار زیدیان حوثی می شوید. این سایت یک سایت الزاماً حوثی نیست بلکه یک سایت زیدی است.

الآن ما به عنوان تنها دولت اسلامی شیعی تمرکزی داریم و بعد مذهبی هم به آن نمی دهیم مثلا در غزه، احیانا سنی های متعصبی هم هستند حمایت می کنیم و از همه حق طلبان در کل دنیا حمایت می کنیم و نباید از این بخش از جغرافیای جهان اسلام و تشیع به این میزان غافل باشیم و ما تقصیرا یا قصورا کوتاهی داشته ایم و بعد از این باید با یک روحیه بسیجی برگردیم به آن جایگاه مناسب و البته آنها هم از ما متوقع هستند



## پی نوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.
۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸.
۳. همان، ج ۱۶، ص ۸۸.
۴. همان، ج ۱۵، ص ۷۵.
۵. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵.
۶. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.
۷. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
۸. همان، ج ۱۹، ص ۱۱.
۹. همان، ج ۱۸، ص ۱۱ و ۱۲.
۱۰. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.
۱۱. ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹، به نقل از امام صادق (ع).
۱۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: الکافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب الإضطرار إلى الحجّة، صص ۱۶۸ - ۱۷۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام (ع)، صص ۲۰۱ - ۲۱۰؛ محمدبن ابراهیم نعمانی کتاب الغیبة، باب ۹، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ محمد باقر مجلسی بحار الأنوار، ج ۲۳، باب الاضطرار الى الحجّة و أنّ الأرض لا تخلو من حجّة، صص ۱ - ۵۶.
۱۳. الکافی، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹، ج ۸.
۱۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۲۲۹، ج ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۱، ج ۷۸.
۱۵. سوره نحل (۱۶)، آیه ۴۴.
۱۶. پس از شهادت حضرت علی (ع) و روی کار آمدن بنی امیه، توده مردم که معروف به سواد اعظم شدند، در برابر خوار ج که نه امامت حضرت علی (ع) و نه خلافت معاویه را قبول داشتند و نیز در مقابل شیعیان علی (ع) که معتقد به امامت وی بودند، فرقه جدیدی را تشکیل دادند که «مرجئه» خوانده می شوند.
- برای تسمیه این فرقه چند وجه ذکر کرده‌اند: نخست آنکه، این فرقه نیت و عقیده را اصل شمردند و گفتار و کردار را بی اهمیت دانستند. دوم آنکه، معتقد بودند همان گونه که عبادت کردن با کفر سودی ندارد، گناه کردن هم چیزی از ایمان نمی کاهد. سوم آنکه، بعضی از دانشمندان مانند نوبختی «ارجاء» را به معنی امیدوار کردن گرفته‌اند؛ زیرا این فرقه، اهل کبایر را با ادای شهادتین از مزیت ایمان نومید نمی ساختند و آنان را کافر نمی شمردند و برای همه امید آفرین داشتند. «مرجئه» از مخالفان سرسخت خوار ج بودند؛ زیرا خوار ج می گفتند: مسلمان با ارتکاب گناه کبیره کافر می شود، اما «مرجئه» برخلاف آنان عقیده داشتند که مسلمانان با ارتکاب کبیره از اسلام خارج نمی شود. فرهنگ فرق اسلامی، صص ۴۰۱ و ۴۰۲.
۱۷. در زمان بنی امیه «قدریه» یا «معتزله» ظهور کردند و با فرقه مخالف خود «جبریه» یا «مجبریه» اختلاف داشتند. جبریه معتقد بودند که بندگان خدا صاحب افعال خود نیستند و خیر و شر را به خداوند نسبت می دادند و نسبت آن دو را به انسان امری مجازی می دانستند. برخلاف ایشان معتزله یا قدریه طرفدار قدرت و حریت انسان بودند و ادمی را در کردار و رفتار خویش آزاد می پنداشتند. همان، ص ۳۵۶.
۱۸. «زنادقه» جمع زندیق است و زندیق در اصطلاح به مسلمان ملحدی گویند که تفسیرهای او از نصوص شرعیه قرآن و سنت، موجب گمراهی مسلمانان گردد... نخستین زندیقان از موالیان ایرانی در کوفه و حیره بودند که خود را به قبایل عرب نسبت داده و عقاید کفرآمیز خویش را اشاعه می دادند. همان، صص ۲۱۰ و ۲۱۱.
۱۹. الکافی، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۶۸، ج ۲.
۲۰. ر.ک: شیخ صدوق، الهدایة فی الأصول و الفروع، صص ۳۰-۳۸.
۲۱. کتاب الغیبة (نعمانی)، ج ۱، ص ۱۴۱، ج ۲.
۲۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، ص ۲۷۲؛ شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۶۵.
۲۳. ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۲۲۳.
۲۴. سوره انفال (۸)، آیه ۵۳.
۲۵. الکافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، صص ۳۴۳، ج ۳۱.
۲۶. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۵، باب ۱۷۹، ج ۲.
۲۷. ابوالفضل علی طبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۷۰.
۲۸. کتاب الغیبة (نعمانی)، صص ۲۰۳، ج ۴.
۲۹. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸.
۳۰. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۶، صص ۳۷۸، ج ۲.
۳۱. شیخ مفید، الرسالة الثالثة فی الغیبة، مندرج در: سلسله مصنفات الشیخ المفید، ج ۷، صص ۱۱ و ۱۲.
۳۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ج ۷.
۳۳. کتاب الغیبة، ص ۹۰.
۳۴. همان، ص ۹۲.
۳۵. «لطف» در اصطلاح متکلمان این گونه تعریف شده است: «آنچه بنده را به طاعت خدا نزدیک می کند و از معصیت دور می سازد، بی آنکه به حد اجبار و الزام برسد». سید محسن خرازی، بدایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإسلامیه، ج ۱، ص ۳۳۰.
۳۶. ابوالحسن شعرانی، ترجمه و شرح کشف المراد علامه حلی، شرح تجرید الاعتقاد (خواججه نصیرالدین طوسی)، ص ۵۰۷.
۳۷. همان، ص ۵۰۹.
۳۸. گفتنی است برخی از صاحب نظران معتقدند نمی توان «آماده نبودن اجتماع بشری و عدم لیاقت مردم برای پذیرش و بهره گیری از نعمت حضور امام معصوم در جامعه و فراهم نبودن تعداد لازم یاران و انصار برای آن حضرت» را از جمله علت های غیبت برشمرد و بر این اساس، همه تناتیجی را که بر این علت بار شد، مردود می دانند. ر.ک: راز پنهانی و رمز پیدایی، صص ۲۴۹ - ۲۶۴.
۳۹. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۳۲۰، ج ۱۰.
۴۰. الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ج ۱.
۴۱. همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ج ۵۷۶.
۴۲. «مرابطه» چنان که فقیهان در کتاب جهاد گفته اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی یا هر موضعی که از آن احتمال حمله ای علیه مسلمانان می رود، به حال آماده باش و در کمین به سر برد. ر.ک: محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۲۱، ص ۳۹. این عمل در زمان غیبت امام معصوم (ع) مستحب بوده و فضیلت های بسیاری برای آن بر شمرده شده است، چنان که در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام نقل شده، آمده است: «رباط یوم و لیلته خیر من صیام شهر و قیامه، و إن مات مرابط جری علیه عمله و أجره علیه رزقه و أمن من الفتن؛ یک شبانه روز مرابطه (مرزداری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روز به باشد و شبها به عبادت قیام کند، ثوابش بیشتر است. پس هرگاه در این راه بمیرد، عملی که انجام داده است، بر او جریان خواهد یافت و روزی اش بر او جاری خواهد شد و از فرشته ای که در قبر مرده ها را امتحان می کند، ایمن خواهد ماند.» کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۴، ص ۲۸۴، ج ۱۰۵۰۹.
- در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مرابطه چه اندازه است، باید گفت حداقل زمان مرابطه، سه روز و حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود، دیگر مرابطه بر آن صدق نمی کند و جهاد شمرده می شود. شخص هم از ثواب جهادکنندگان برخوردار می شود. (ر.ک: جواهر الکلام، ج ۲۱، صص ۴۱ و ۴۲).
۴۳. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، ص ۵۸۲.
۴۴. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۳.
۴۵. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲، به نقل از: محمد حکیمی، در فجر ساحل، چاپ نوزدهم: تهران، آفاق، ۱۳۷۵، ص ۵۵؛ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، صص ۶۹۴ - ۶۹۷.